

درباره ماتنی ویسنی یک مردی میان دو فرهنگ

■ «هن مردی هستم که میان دو فرهنگ زندگی می‌کنم، میان دو احساس، مردی که ریشه‌هایش در رومانی است و بال‌هایش در فرانسه.» ماتنی ویسنی یک مردی که در سال ۱۹۵۶ در رومانی به دنیا آمد و تاریخ و فلسفه خواند، شعر سرود و نمایشنامه‌نوشت و در ۲۱سالگی به خاطر توقیف نمایشنامه‌هایش توسط رژیم کمونیستی رومانی مجبور شد تاریخ‌هایش را رها کند و بال درآورد و به سوی سرزمینی دیگر پرواز کند. تا امروز او را به عنوان نمایشنامه‌نویس، شاعر و روزنامه‌نگار فرانسوی رومانیایی‌تبار بشناسند. ویسنی یک در سال ۱۹۷۲ نخستین کتاب شعر خود را چاپ کرد و سپس به نمایشنامه‌نویسی روی آورد که به خاطر همان هم مجبور شد تا در سال ۱۹۸۷ به عنوان یک پناهنده سیاسی راهی فرانسه و از سال ۱۹۹۳، تبعه این کشور شود. او اکنون در پاریس زندگی می‌کند و به عنوان خبرنگار رادیو فرانسه مشغول به کار است به گفته خودش در تعطیلات و شب‌ها که از کار خبرنگاری فراغت می‌یابد با آداب و رسوم خاصی نمایشنامه می‌نویسد و برای دوستان نزدیک فرانسویش که آخرین فیلتر نوشته‌هایش هستند، می‌خواند. عشق‌اش به ادبیات، او را در کشوری کمونیست و استبدادگر با مفهوم آزادی آشنا کرد و آزادی و عدالت به عنوان اصول اولیه انسانی سوزۀ اصلی بیشتر آثار جهان‌شمول او شد. هرچند ویسنی یک پس از مهاجرت به فرانسه از سال ۱۹۸۸ انتشارش را به زبان فرانسوی می‌نویسد اما همچنان موضوعات مطرح در رومانی به ویژه رومانی کمونیستی برای او اهمیت داشته و در نوشته‌هایش به آنها پر داخته است. او که در سال ۱۹۹۶ با نوشتن نمایشنامه‌ای «داستان خرس‌های پاندا به روایت یک ساکسیفونیست که دوستی در فرانکفورت دارد» به شهرت رسید. از سال ۱۹۸۸ با ترجمه این اثرش به زبان های مختلف دنیا به عنوان یک نمایشنامه‌نویس معاصر جهان شناخته شد.

کافکا، داستایوفسکی، ادگار آل پو، لوتر امون و بورخس نویسنده‌گان مورد علاقه این هنرمند و خجوف، یونسکو، بکت و هاروند پینتر نمایشنامه‌نویسان مورد توجه‌اش هستند. سبک سوررالیست، دادائیست، تئاتر آپسورد و گروتسک، شعرهای رویایی، ادبیات تخیلی، رئالیسم جادویی رمان‌های آمریکایی لاتین و تئاتر رئالیست انگلیسی را دوست دارد اما هرگز روی خوشی به رئالیسم سوسیالیست نشان نداد. ویسنی یک که به عنوان یکی از مهم‌ترین نویسندگان نسل ۱۹۸۰ رومانی و از دگرگون‌کنندگان چشم‌انداز ادبی و شاعرانگی این کشور است، به عنوان یک مبارز فرهنگی شناخته می‌شود که همچنان ایمان دارد تئاتر و شعر می‌تواند شست و شوی مغزی رژیم‌های دیکتاتوری را افشا کند.

مرد زبانه، سه‌شب با مادوکس، باتیورهای قلابی، اسبهای پشت پنجره، داستان خرس‌های پاندا به روایت یک ساکسیفونیست که دوستی در فرانکفورت دارد، پیکر زن همچون میدان نبرد در جنگ بوسنی، تماشاجی محکوم به اعدام، شاه‌موش خرما و لفلک شاه‌ان در جیب آخرین گودو، ماشین خجوف و… نمایشنامه‌های معروف این نویسنده رومانی تبار هستند که خلق چهار نمایشنامه یک رمان او به زبان رومانیایی، سرنوشتی جز نوشتن آن هم‌زمان شد با کارش برای شبکه رادیویی بی. بی‌سی، در لندن. او خود در این باره می‌گوید: «می‌خواستم کمی از سیاست که تمام ذهن من را در رومانی مشغول کرده بود، دور شوم. دلم می‌خواست به دنیای دیگری نزدیک شوم. دنیای آشنایی با عشق، عشقی که فنا و مرگ را قریب می‌دهد. نمایشنامه را آغاز کردم، صحنه اول را نوشتم و به مدت پنج سال دیگر نتوانستم ادامه دهم، صحنه‌های دیگر را در سال ۱۹۹۳ در فرانسه نوشتم. این طرح نیاز داشت در ذهنم جایفتد.» مفاهیم این نمایشنامه‌اش به شدت به عرفان شرق نزدیک است و ماتنی خود نیز این را تصدیق می‌کند چرا که رشته تحصیلی‌اش فلسفه بوده و در جوانی مسحور فلسفه شرق، ن، تانسخ و رابطه‌های بین یینگ و یانگ بوده و در این باره می‌گوید: «در عرفان شرق به دنبال نوعی نیروی طبیعی و درونی بوده‌ام است که بتواند در برابر آزمون‌های بدنی و روانی مقاومت کند».

در ایران نیز او برای نخستین بار با نمایشنامه «داستان خرس‌های پاندا به روایت یک ساکسیفونیست که دوستی در فرانکفورت دارد». در سال ۱۳۸۰ که توسط تینوش نظم‌جو ترجمه و کارگردانی شد، شناخته شد و بعد از آن «سه شب با مادوکس» و دیگر نمایشنامه‌های او به تئاتر ایران راه یافت. آثار او توسط نشر ماهریز و نی در سال‌های اخیر ترجمه و منتشر شده است و این روزها نیز نمایشنامه «تماشاجی محکوم به اعدام» این نویسنده توسط روح‌الله جعفری در تالار سایه تئاتر شهر اجرا می‌شود و مورد توجه تماشاگران زیادی قرار گرفته است. شاعرانگی و سادگی آثار او موجب شده تماشیان مخاطبان ایرانی از محبوبیت خاصی برخوردار باشند. او تلاش می‌کند بل‌های میان واقعیت و تخیل را پیدا کند. خودش در مورد سبک و آشارش می‌گوید: «می‌توانم بگویم که سبک من چیست، چرا که همیشه در بی سبک خودم هستم. منماد در اضطراب این جست‌وجو زندگی می‌کنم. بی‌شک نمی‌توانم تئاترم را بدون بعد شاعرانه در نظر بگیرم. درباره سبکم، می‌توانم بگویم که همیشه می‌خواستم حداکثر را با حداقل امکانات ابراز کنم. به این ترتیب سبک من همیشه سبک بسیار ساده‌ای است اما پشت این سادگی تلاش و زحمت عظیمی برای رسیدن به آنچه ضروری است، پنهان شد».

نمایش‌های ماتنی ویسنی یک چه ویژگی دارد که گروه شما در این دو سال اخیر به سمت آن روی آورده و تا جایی که خیر دارم تصمیم دار بد کار آینده گروه خود را بازم‌ها از میان نمایشنامه‌های این نویسنده انتخاب کنید و اصرار به اجرای رپرتواری آن دارید؟

مهم‌ترین حسن آثار این نویسنده که به خاطر فضای کمونیستی رومانی مجبور به کوچ کردن از وطنش شد و مجبور شد برود و در کشور دیگری، فرانسه، به کار خود ادامه دهد، حال و هوای فضای سیاسی و بعد هم فرهنگی آنهاست. بنابراین یک نگاه ژرفی در آثارش وجود دارد که من انسان شرقی را مجذوب خود می‌کند و اگر شما بتوانید با نمایش از تباطر بر قرار کنید، حسن نمایش است. در وهله اول نگاه جهان‌شمول این نویسنده است که اهمیت دارد و من در دو تجربه کارگردانی که از آثار این نویسنده داشته‌ام (اسب‌های پشت پنجره و تماشاجی محکوم به اعدام)، بال بیشتری بتواند مابه‌ازاهای عینی را و نگاه سیاسی حاکم در کشورهای خاورمیانه مخصوصا اتفاق‌های اخیر در لیبی در حال وقوع است را مورد تفکر و بررسی قرار دهد و به بی‌عدالتی‌هایی که نسبت به انسان معاصر در این مختصات جغرافیایی، دارد رخ می‌دهد بیندیشد.

این نمایشنامه متعلق به دوره زمانی دیگری غیر از حال است و شما هم از سال پیش در فکر اجرای آن بودید، اتفاق‌های کنونی خاورمیانه جدید است و آن زمان مشکلی نبود، من فکر می‌کنم این همزمانی بیشتر شانس‌ی شده است.

مسئله عدالت و بی‌عدالتی موضوعی نیست که به زمان مشخصی مربوط باشد، حکام و مسوولان کشورها اگر از وجدان و قانون اساسی کشورشان عدول کنند، خواه ناخواه به سمت بی‌عدالتی می‌روند و این یک نگاه کلی است که می‌توانیم سوق دهیم، اما درست می‌گویید اجرای این نمایش به طور اتفاقی هم‌زمان شد با اتفاقات خاورمیانه و تماشاگر می‌تواند با دیدن این نمایش مابه‌ازاهای عینی بی‌عدالتی و رعایت نکردن قانون و عدالت در این نوع کشورها را مشاهده کند و فکر کند در این کره خاکی چگونه حکام با من انسان برخورد می‌کنند.

مفهوم اصلی نمایش «تماشاجی محکوم به اعدام» قضاوت نادرست و بی‌عدالتی است؛ اینکه به راحتی می‌توان با قضاوت نادرست، انسانی را به مسلخ کشید و له کرد؟

دقیقا درست است. ماتنی و ویسنی یک هم بر اساس همین بود که در رومانی کمونیستی این موضوع را آسیب شناسی کرد و شاکله نمایشنامه را با توجه به مکان نمایشی که در صحن اصلی دادگاه رخ می‌دهد، اتفاق می‌افتد. ما می‌بینیم دادگاه توسط چهار نفر رسمیت پیدا می‌کند و پیش از محاکمه دادستان حکم صادر و اعلام می‌کند متهم جایتکار است یا منشی دادگاه، خلاف قانون در محاکمه متهم مدام دخالت می‌کنند و وکیل مدافع که یک وکیل تسخیری است به جای دفاع از متهم در یک مونولوگ به او می‌گوید یک جایتکار است. همه این شواهد مبتنی بر تصدیق سوال شماست.

نگاه ماتنیی همان طور که خودتان اشاره کرده‌اید به مسایل ، جهان شمول و کلی است. در نمایش «تماشاجی محکوم به اعدام» هم همین طور و نگاهش به کشور و مکتب اعتقادی خاصی نیست و به نوعی با به سخره گرفتن موقعیت ایجاد شده، می‌گوید دستیابی به عدالت در زندگی بشر امروز دست‌نیافتنی است و

کلاموضوعی ایده آل است و سیاست و سیاستمداری را مورد تمسخر قرار می‌دهد در حالی که در اجرای شما و بر حسب صحبت‌هایی که کردید یک برداشت کاملا سیاسی مشهود است و با دیدگاه کلی ویسنی یک متفاوت است؟

هر متن ترجمه‌ای که در ایران به صحنه می‌رود طبیعتا از نگاه کارگردان باید پالوده شود و برحسب شرایط روز اجرا شود تا شکل اجرایی بگیرد از بسوی دیگر وقتی نمایشی دراماتوزی شود خواه ناخواه آن مصداق‌های عینی که در موردش صحبت کردم در آن لحاظ می‌شود. این کار هم دراماتوزی شد و معتقدم با حفظ شاکله و فکر اصلی نمایش تفاوت دیدگاه من با آنچه شما گفتید برای مخاطبم نمایش داده شود. چون اگر عین متن را روی صحنه بیاورم دیگر آن همدات پنداری و آن مصداق‌هایی که می‌تواند بین تماشاگر ایرانی و اثر ورو دهد، شکل نمی‌گیرد پس من به عنوان کسی که دغدغه فرهنگی دارم برقراری ارتباط و گپ میان جامعه سیاسی مهم است و برای رسیدن به این فضا برداشت‌های سیاسی من هنرمند نسبت به اتفاقات روز اهمیت دارد.

روح‌الله جعفری:

جامعه خنثی به تحول نمی‌رسد

فروغ سجادی



عکس رسمی حکمت انجیلش

«تماشاجی محکوم به اعدام» با همه حاشیه‌های آغازین اجرایش تا همین دیروز روی صحنه بود. گفت‌وگو با روح‌الله جعفری، کارگردان نمایش در آخرین روزهای اجرا، گویای همه چیز درباره این نمایشنامه حساس و بزرگ ماتنی ویسنی یک است.

شاید همین نگاه هم موجب شد نمایش‌تان با حاشیه‌های زیادی مواجه شود و مجوز اجرایی گرفت؟
بله، شاید یکی از دلایل آن همین بود. زمانی که متن خارجی در حوزه نشر منتشر می‌شود و مخاطب آن را می‌خواند، خواندن آن می‌تواند یک زاویه دید به او بدهد و اجرای آن در صحنه تعابیر متفاوت دیگری می‌تواند داشته باشد. بنابراین در مرحله گرفتن مجوز متن از شورای نظارت مشکلی نداشت اما در مرحله اجرا با مشکل مجوز برخورد شد و پس از چند بار بازبینی و تغییراتی به صحنه آمد. با توجه به موضوع نمایش همانطور که صحبت کردم حساسیت‌هایی در مورد آن وجود داشت. اما به نظر می‌رسید بخشی از حاشیه‌های ایجاد شده در این کار توسط خود شما صورت گرفت مثلا از چهره‌های سیاسی دعوت کردی تا از آن دیدن کنند و حضور برخی از این چهره‌ها موجب شد دامن این حاشیه‌ها گسترده‌تر شود؟
با صراحت و صادق‌ای بلند اعتقاد ذهنیم را در اینجا مطرح می‌کنم که بسیار خرسند می‌شوم افکار مختلف فارغ از جناح بندی‌های مرسوم فکری نه صرفا از این اجرا

گفت‌وگو بافرزین صابونی

کیفیت کارهای یک سال گذشته ام رضایت بخش نیست

آرام کیا

فرزین صابونی، بازیگری که اکنون در نمایش «تماشاجی محکوم به اعدام» نقش دادستان را ایفا می‌کند، عنوان کرد که این اتفاق چه مزیت حرفه‌ای در شرایط کنونی برای شما داشت؟

است بی‌توجهی مسوولان به تعهداتشان در زمینه پرداخت دستمزدها و بیست‌ن قرار دادهایکی از عوامل موثر در نبود امنیت شغلی و افت کیفی تئاتر است.

بر نوع بازی بازیگر تاثیر بگذارد و شما چقدر درگیر این موضوع شدید؟
این مشکلات برای یک بازیگر حرفه‌ای قابل حل‌تر است، چون می‌تواند به‌هر حال خودش را با شرایط وفق بدهد. ولی بستگی به این دارد که آن اعمال نظر در چه شرایطی و در مورد چه چیزی بوده، همه اینها بر روند کار بازیگر موثر است. ممکن است الان خیلی‌ها بگویند به‌هر حال شما با این شرایط آشنا هستید و باید با آن کنار می‌آمدید و نباید بر کارتان تاثیر بگذارد اما شکل بر خودر واقعا موثر است، چیزهایی را به ما می‌گویند نگویید که خیلی خودخواهانه است. در نهایت همه این سخت‌گیری‌ها بیشتر از آنکه بر کار بازیگر موثر باشد بر کل اثر تاثیر می‌گذارد. یک گروه بازیگر با عوامل مختلف و خود کارگردان ماه‌ها برای اجرای این نمایش وقت گذاشتند، همه اینها در کنار هم بر اساس متنی که پیش از این تصویب شده بود، برای اجرای نمایش برنامهریزی کرده‌اند، بعد می‌بینیم نگاهان بخش عمده‌ای از نمایش با یک شخصیت آن به کل حذف می‌شود. در این شرایط قطعلا کل برنامهریزی‌ها به هم می‌ریزد، هر چند ما نمایش را در هر صورت اجرا می‌کنیم اما این باعث می‌شود بر کیفیت تاثیر گذاشته شود و تماشاگر حرفه‌ای نمایش احساس کند یک‌جای‌نمایش می‌لنگد، وقتی برای یک نمایش ماه‌ها تمرین صورت گرفته، قطعانمی‌شود در طول یک هفته یک کار از نو تولید کرد. مخصوصا وقتی یک محیط از یک کار حذف می‌شود، ما مجبوریم بیام برای آن اجرا از

تئاترهایی در راه صحنه

■ با پایان نخستین ماه از سال ۱۳۹۰ و پایان اجرای نمایش‌های روی صحنه سالان‌های تئاتر از هفته اول اردیبهشت میزبان نمایش‌های تازه‌ای است که در حال انجام تمرین‌های نهایی هستند. سالان اصلی تئاتر شهر در حال حاضر میزبان نمایش «تصرت خانوم مامانم و نوروز» به کارگردانی امیر دژاکام است. این نمایش که به آداب و رسوم ایام نوروزی می‌پردازد، از هفتم نروروز روی صحنه رفته است.

اما سالان سایه مجموعه تئاتر شهر که میزبان نمایش تماشاجی محکوم به اعدام به کارگردانی روح‌الله جعفری بود با به پایان رسیدن اجرای آن، نمایش «شن» به کارگردانی کنایون حسین‌زاده را روی صحنه خود می‌بینید.

«شن» که رویاوتگر زندگی دو زن است با حضور الهام‌پاونه‌زاد و پریزاد سیف‌هفته اول اردیبهشت‌ماه در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود. ناصح کامکاری طراح صحنه و لباس، قباد ششوا طراح بوستر و بر وشر و نورالدین حیدری‌ماهر دستیار کارگردان نمایش هستند.

حسین‌زاده «شن» را در بخش چشم‌انداز بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به صحنه برد. وی نمایش «یکی مثل همه» را در بخش چشم‌انداز بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز اجرا کرد.

کارگاه نمایش نیز که نمایش خطر مجسمه عبید قطعی است را به کارگردانی مریم کاظمی روی صحنه داشت، قرار است شاهد اجرای نمایش خداحافظی نکن نوشته فارس باقری به کارگردانی مسعود طبیبی باشد. این نمایش نیز در بخش چشم‌انداز تئاتر ۹۰ در بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه رفت.

نمایش فافست به کارگردانی حمیدرضا نعیمی که در سالن چهارسو به صحنه رفته است به دلیل استقبال مخاطبان این نمایش تا دوم اردیبهشت ماه تمدید شد. حمیدرضا نعیمی، ایوب آقاخانی، بهناز نازی، خسرو شهرآز، فروغ قجاییگی، یعقوب صباحی، محسن گودرزی، وحید ادا، امین طباطبایی، علیرضا شیردل، علیرضا طهماسبی، محسن حسین‌قلی‌پور، آهو ایمانی، محمدرضا جدیدی، یوسف رستمی، مهرداد خانی‌باریگران این نمایش هستند که از ساعت هفت به صحنه می‌رود.

اما این سالن بعد از این نمایش قرار است به اجرای نمایش «خانمچه و مهنایی» به کارگردانی مسعود دلخواه اختصاص یابد. این نمایش که دومین اجرای آخرین نمایش اکبر رادی بعد از هادی مرزبان است، در بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز به صحنه رفته است.

خانمچه و مهنایی دلخواه با نگاهی متفاوت و جدید به نمایش رادی است و با حضور محبوبه بیات، ایمان افشاریان، اشکان صادقی، رویا بختیاری، حمیدرضا هدایتی، گیلدا حمیدی، مهرداد رنجبر، رویا بختیاری، الهام عسگری شکیب و سوده شرجی در سالن چهارسو مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود. نیما گودرزی دستیار کارگردان، حسین کاووسیان، آفسون دلخواه و آرش بدر طالعی عوامل پشت صحنه نمایش «خانمچه و مهنایی» هستند. این نمایش پیش از این در بخش میهمان بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به صحنه رفت.

اجرای نمایش ابرهای پشت حجره به کارگردانی



رها گوران نیز که در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رفت نیز به پایان رسیده و این نمایش نیز جای خود را به نمایش دیگری خواهد داد.

اجراهای تماشاخانه ارائه‌شهر نیز با تمدید نمایش درس به کارگردانی داریوش مهرجویی نیز با این نمایش ادامه پیدا می‌کند. قرار است بعد از این نمایش، آتیلا پسپانی نمایشی را روی صحنه بیاورد اما سالن شماره دو این مجموعه که میزبان دو نمایش دایی وانی و عجایب المخلوقات بود، در اختیار گروه اجرایی نمایش «گلن‌گری گلن‌راس» به کارگردانی پارسا پیروزفر قرار می‌گیرد. پیروزفر که بعد از چندین سال دوری از تئاتر، بازگشته است با حضور بازیگرانی چون هومن بنورپور، رضا بهبودی، سیاوش چراغی‌پور، مسعودمیرطاهری و پیروزفر این نمایش را اجرا می‌کند. همچنین احتمالاً پیوستن حمیدرضا آذنگ‌ب به این گروه بازیگری وجود دارد.

«گلن‌گری گلن‌راس» نوشته دیوید ممت رویاوتگر چند فروشنده املاک است که بر اثر فشار مادی دست به کارهای عجیب می‌زند اما تغییر مثبتی در وضعیت‌شان رخ نمی‌دهد. طراحی صحنه و لباس «گلن‌گری گلن‌راس» هم به عهدا آتوسا قلم‌فرسای است و آرش فصیح دستیار کارگردان این نمایش است. پارسا پیروزفر انتخاب موسیقی نمایش را نیز بر عهده دارد.

قرار بود بازیگرانی چون امیر جعفری، هدایت هاشمی و علی سربای در نمایش «گلن‌گری گلن‌راس» به کارگردانی پارسا پیروزفر حضور داشته‌باشند که به دلیل تعهدات کاری دیگران این امر میسر نشد. البته در هفته اول اردیبهشت ماه تئاتر آثار این میزبان هفته تئاتر است و قرار است به این مناسبت برنامه‌هایی در تهران و شهرستان‌ها بر گزار شود.

ایده حضور خودت به عنوان بازیگر «تماشاجی محکوم

به اعدام» از کجاشناخت گرفت؟

در شکل اجرایی که از ابتدا فکر کردم هر شب یک تماشاگر نمایش که کسی نمی‌دانست کیست قرار بود روی این صندلی در نقش متهم بنشیند و هر روز در گیشه تئاتر شهر روی یکی از بلیت‌های نمایش مهر تماشاجی محکوم به اعدام خورده شود و بر اساس آن راهنمای تالار سایه مخاطب را به صندلی مورد نظر در صحنه هدایت می‌کرد در این صورت ما با ۳۰ اجرای پیش‌بینی نشده‌ای مواجه می‌شدیم که نمی‌دانستیم مخاطب چه واکنشی نشان می‌دهد هر چند روش‌های لازم اتخاذ شده بود تا گروه اجرایی غافلگیر نشود و با واکنش‌های مختلف بتواند حرفی را که در اجرا زده شود را ابیان کند اما دوستان شورای نظارت و ارزشیابی به این روش واکنش نشان دادند. پس از بحث فراوان با این دوستان به این تعامل رسیدیم که این اتفاق بیفتد اما من باید به تعداد افراد حاضر در هر اجرا تعهد کنی بدهم که برای این نمایش اتفاقی رخ نمی‌دهد. طبیعتا این امکان پذیر نبود پس فکر کردم با توجه به متن، شواهد اجرایی و طرز تفکر من به این اثر بهتر است خودم را روی صندلی تماشاگر محکوم به اعدام بنشانم و از ابتاد قرار نبود من کارگردان روی این صندلی بنشینم و یکی از دلایل حضور من روی این صندلی همین بود که شما گفتید.

غیر از بخش اعتراف‌ها دیگر چه قسمت‌هایی از این اجرا حذف شد؟
بخش‌هایی از برخوردش باشادان و متهم هم حذف شد. این حذفیات چقدر می‌تواند بر بازی شما تاثیر گذاشته باشد، به‌هر حال بازیگر بر اساس تصورش از شخصیت نمایشنامه نقش را می‌سازد؟
قطعاً من بازیگر بر اساس خودم یا شخصیت کوچه و بازار، کاراکتر را نمی‌سازم بلکه بر اساس شخصیت نمایشنامه و چیزی که صد کارگردان در طول تمرین ساخته‌ایم، این شخصیت را در صحنه می‌چینیم و با حذف دیالوگ‌ها و بخش‌هایی از این شخصیت ساخته شده، خیلی چیزها تغییر می‌کند. ممکن است رفتار حتی حرف زدن شخصیت هم تغییر کند.

به نظر شما می‌توانیم بگوییم علت ضعف تئاتر‌ها در چند ماه اخیر و بازی‌ها همین افزایش سخت‌گیری‌ها بوده است؟

یکی از دلایلی هم همین است. اما چیزهای دیگری هم است که همیشه بوده، مثلا بازیگرانی هستند که به دلایلی غیر از اینکه بازیگر تئاتر است به صحنه می‌آید.

بر کاری چقدر می‌تواند در این ضعف کیفی موثر باشد؟
صدرصد موثر است. من خودم شاید از هیچ کدام از کیفیت این نقش‌هایی که در یک سال اخیر بازی کردم صدرصد راضی نیستم، هر چند می‌توانم مدعی باشم که هرگز کم‌فروشی نکردم و سعی کردم درست تمرین کنم و کار خوبی ارایه دهم و به تماشاگرم احترام گذاشتم چون او در این میان مقصر نیست و مسوولان، اتفاق‌ها و برنامه‌ریزهای نادرست من هستند که مقصر این اتفاق است. در نتیجه من به عنوان بازیگر متعهد سعی خود را می‌کنم اما به‌هر حال تاثیر گذار است.